

بررسی تأثیر میزان و انواع دینداری بر همبستگی اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۰

دکتر بیژن زارع^۱، علی اکبر صادقی^{۲*}، سمانه دلبری^۳

چکیده

هدف این تحقیق بررسی رابطه میزان و انواع دینداری با همبستگی اجتماعی است. روش این تحقیق پیمایشی بوده و اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع آوری شدند. جامعه آماری تحقیق را دانشجویان دوره کارشناسی واحد حصارک دانشگاه خوارزمی تشکیل می‌دهند. از میان این دانشجویان تعداد ۴۰۹ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله با این دانشجویان مصاحبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های t استیودنت، تحلیل واریانس و همبستگی پیرسون استفاده شده است.

نظریه دورکیم در رابطه با تأثیر دینداری بر همبستگی اجتماعی الگوی نظری این تحقیق است. نوع دینداری نیز با توجه به انتقادی که بر نظریه دورکیم در رابطه با کارکرد انسجامی دین وارد شده و عدم توجه دورکیم به انواع دینداری در دستگاه نظری خود مطرح می‌شود. بر این اساس، دسته بندی هیک از انواع دینداری (انحصارگرا، شمول گرا و تکثرگرا) مورد توجه قرار گرفته است.

بر مبنای دستگاه نظری تحقیق، دینداری و انواع دینداری متغیرهای مستقل تحقیق و همبستگی اجتماعی متغیر وابسته تحقیق به شمار می‌آیند. همچنین این تحقیق دارای یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بین دینداری با همبستگی اجتماعی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. در بررسی نوع دینداری سه روش به طور همزمان به کار گرفته شد: ۱- نوع دینداری بر مبنای شاخص نوع دینداری، ۲- نوع دینداری بر مبنای عامل انحصارگرایی دینی و ۳- نوع دینداری بر مبنای عامل تکثرگرایی دینی. با توجه به این طبقه بندی‌ها، بین نوع دینداری با همبستگی اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: همبستگی اجتماعی، همبستگی ارتباطی، احساس تعلق، مشارکت اجتماعی،

دینداری و نوع دینداری

۱. عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی تهران

۲. * نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران
email: aa.sadeghy@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی

بیان مساله و اهمیت موضوع

دورکیم یکی از مهمترین نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی است که قائل به وجود رابطه بین دین و همبستگی اجتماعی است. او دو نوع همبستگی را تشخیص داده بود. این دو نوع همبستگی یکی همبستگی مکانیکی و دیگری همبستگی ارگانیکی است. عامل تعیین کننده در همبستگی مکانیکی دین و اعتقادات مشترک، و در همبستگی ارگانیکی تقسیم کار و تفاوت‌های بین افراد جامعه جهت برآوردن نیازهاست. دورکیم (۱۳۸۱) همچنین معتقد است که در جوامع طی جریان مدرن شدن، همبستگی مبتنی بر تقسیم کار، جای همبستگی اجتماعی مبتنی بر دین را خواهد گرفت. در عین حال او اظهار می‌داشت که باید حداقلی از همبستگی مبتنی بر عقاید دینی (مناسک) در جامعه وجود داشته باشد.

دورکیم به طور مشخص مفهوم همبستگی اجتماعی را تعریف نمی‌کند ولی طبق نظر محققان مختلف (امیرکافی ۱۳۸۳) تعریف دورکیم از مفهوم همبستگی اجتماعی را می‌توان حول دو محور ذهنی و عینی طبقه‌بندی کرد. در بعد ذهنی منظور از همبستگی اجتماعی احساس تعلق و تعهد فرد به گروه بوده که این گروه به لحاظ گستردگی می‌تواند گروه دو نفره در کوچکترین سطح و اجتماعات محلی و ملی در سطوح بالاتر را شامل شود. اما وقتی صحبت از همبستگی اجتماعی در بعد عینی آن به میان می‌آید مراد از این مفهوم شدت پیوند(ها) و اتصال(های) فرد به گروه(ها)، جامعه و حضور و مشارکت در صحنه‌های مختلف اجتماعی است.

از نظر دورکیم دین شامل هرگونه اعتقادات مشترک و مناسکی که حول این اعتقادات برگزار می‌شود، می‌باشد. با این تعریف دورکیم برای دین لزوماً منشاء قدسی قائل نیست. اما اگر به تعریف ماهیتی دین توجه شود، مطابق نظر مرتن، دین لزوماً باعث همبستگی اجتماعی نمی‌شود به خصوص موقعی که در یک جامعه انواع مختلف دین و فرقه‌ها و کیش‌های مختلف در درون یک دین وجود داشته باشد (همیلتون، ۱۳۸۱). همچنین پدیده جدیدی که در دوران مدرن‌تیه جوامع شاهد آن بوده‌اند تنوع دینداری است که این تنوع دینداری نیز از نظر دورکیم به دور مانده است. به نظر می‌رسد انواع مختلفی که از دین در بین اقشار مختلف مردم ظهور پیدا کرده همبستگی اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. حال این سول مطرح می‌شود

که اگر دین به معنای ماهیتی آن در نظر گرفته شود و مدرن شدن متناظر با تکثر (تنوع) دینداری باشد، این تنوع و تکثر چه تأثیری بر همبستگی اجتماعی (از نوع مکانیکی آن به بیان دورکیم) دارد؟ اگر این سوال را بخواهیم به طور تجربی مورد بررسی قرار دهیم لازم است آن را در محیط جامعه معینی دنبال کنیم. در این پژوهش این موضوع در میان جمعیتی از دانشجویان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت همبستگی اجتماعی در دو سطح کلان و خرد درخور تامل است. در سطح کلان آن می‌توان گفت که توسعه‌ی و همچنین موجودیت یک جامعه به میزان زیادی به وحدت و همبستگی مردم آن جامعه و وفاق بر سر مسائل اجتماعی و ارزشی بستگی دارد. در سطح خرد نیز همبستگی اجتماعی یک فرد مانع بروز مشکلات برای او می‌شود. آنطور که خود دورکیم نیز در کتاب خودکشی خود همبستگی اجتماعی را یکی از مهمترین عوامل موثر بر خودکشی افراد می‌داند. بدین ترتیب پیوند فرد با گروه‌ها و افراد مختلف از بروز مشکلات روانی برای فرد از جمله انزوای اجتماعی و گوشه‌گیری جلوگیری می‌کند و او را از ارتکاب به بسیاری انحرافات اجتماعی باز می‌دارد.

با توجه به اهمیت این موضوع سوالات ذیل مطرح می‌شود که:

۱. میزان دینداری دانشجویان چه تأثیری بر همبستگی اجتماعی آنان دارد؟
۲. آیا تلقی‌های مختلف دانشجویان از دینداری، بر میزان همبستگی اجتماعی آنان تأثیری دارد؟

این تحقیق به دنبال پاسخگویی به سوالات مذکور می‌باشد.

پیشینه تجربی تحقیق

از آنجایی که با جستجوی منابع داخلی و خارجی، عنوان و موضوعی که با عنوان و موضوع این تحقیق همخوانی داشته باشد، به دست نیامد؛ بنابراین به تحقیقاتی که به نحوی با موضوع مرتبط بود و به اتقان تحقیق کمک می‌کردند، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. این تحقیقات شامل تحقیقات داخلی و خارجی می‌شوند.

تحقیقات انجام شده داخلی

تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان در فعالیتهای عمرانی» توسط کوثری (۱۳۷۵) انجام شده است که در این تحقیق همبستگی اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی و ترکیب قومی - جمعیتی به عنوان متغیرهای میانجی و مشارکت در فعالیتهای عمرانی هم به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. نتیجه‌ای که از این تحقیق به دست آمده این است که بین همبستگی اجتماعی و اعتماد اجتماعی با میزان مشارکت در فعالیتهای عمرانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

«طرح الگوی جامعه‌شناسی انزوای اجتماعی شهر تهران» عنوان تحقیقی که توسط امیرکافی (۱۳۸۳) انجام شده است. در این تحقیق انزوای اجتماعی نقطه مقابل همبستگی اجتماعی در نظر گرفته شده و به معنای فقدان یا تضعیف اتصال (ات) با افراد، گروه (ها) و جامعه تعریف شده است. هدف این تحقیق بررسی علل و پیامدهای انزوای اجتماعی بوده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که متغیرهای توسعه اجتماعی - اقتصادی منطقه، ثبات ساکنین و ناهمگونی در سطح ساختی، اعتماد، امنیت، تعددگره‌ها و هویت‌ها و درک از بی‌نظمی، اثرات موثر و معناداری بر جنبه‌های مختلف روابط و پیوندهای اجتماعی دارند. همچنین میزان روابط و پیوندهای اجتماعی به نوبه خود باعث کاهش احساس تنهایی، احساس عجز و ناتوانی اجتماعی و باعث افزایش تحمل اجتماعی می‌شود.

بررسی رابطه بین انواع دینداری و سرمایه اجتماعی عنوان تحقیقی است که ملاحسنی در بین دانش آموزان در سال ۱۳۸۱ انجام داده است. او با مرور تعاریف متعدد از سرمایه اجتماعی، برای این سازه دو بعد ساختار روابط اجتماعی، که این بعد اشتراک مفهومی زیادی با آن تعریفی که ما از همبستگی اجتماعی ارائه داده و می‌دهیم دارد، و کیفیت روابط اجتماعی، که همان اعتماد اجتماعی است، در نظر می‌گیرد. این تحقیق به این نتیجه رسیده است که از طرفی انواع دینداری نظیر دینداری سکولار (که از ترکیب شاخص‌های عقل‌گرایی و رابطه دین با سیاست حاصل شده است)، دینداری سنتی (که محصول ترکیب شاخص‌های اهمیت روحانیت در دین، اهمیت اعتقادات، پیروی از مراجع تقلید و اهمیت اجرای مناسک دینی می‌باشد) و دینداری تکثرگرا بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارند و از طرف دیگر سرمایه اجتماعی نیز بر انواع دینداری تأثیر می‌گذارد.

دانشگاه، دین و سیاست عنوان تحقیق دیگری است که رجب زاده (۱۳۷۹) انجام داده است. موضوع این تحقیق بررسی وضعیت باورها و ارزش‌های علم، از عرصه فرهنگ دانشگاهی، و رابطه آن با باورهای دینی و سیاسی، از عرصه جامعه است که محقق می‌کوشد این را در بین قشر دانشجویی که در معرض هر دو گروه ارزش‌ها قرار دارد، مورد پژوهش قرار دهد. بر این اساس می‌کوشد به این سوال پاسخ دهد که باورها و ارزش‌های دین، در روایت سنتی و رسمی آن تحت تأثیر فرهنگ دانشگاه چه سمت و سویی پیدا می‌کند. و در جریان این چالش چه باورها و ارزش‌هایی به عنوان راه و حل چالش مورد پذیرش افراد قرار می‌گیرند، یا قابلیت پذیرش بیشتری می‌یابند. در باب دین‌ورزی در این تحقیق مولفه‌های گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است که عبارت‌اند از:

۱- راه شناخت دین: به باور فرد در خصوص جایگاه منابع مختلف معرفتی و انواع معرفت در شناخت دین مربوط می‌شود. مسیرهای شناختی عبارت‌اند از: وحی (سنت)، دل (تجربه دینی)، عقل و علم.

۲- جهان بینی: نگاه افراد به جهان و قابلیت کشف آن از طریق علم، اراده خداوند و..

۳- تلقی افراد از دین: نگاه سنتی به دین، نگاه مبتنی بر تجربه درونی، نگاه مادی گرایانه و نگاه عقل گرایانه.

۴- تلقی افراد بر کارکرد معرفت‌شناختی دین: به این معنی است که آیا برای دین فراتر از احکام جایگاهی قائل می‌شوند، و به طور مشخص دین دارای جنبه هستی‌شناختی است؟ و در آن صورت سنجش و ارزیابی آن در مقایسه با دانش بشری.

۵- نظر دانشجویان در مورد جایگاه روحانیت در دین: در این محور به ارزیابی نقش محوری و سنتی روحانیت در دین می‌پردازد.

۶- مناسک گرایي: در این زمینه به بررسی و تجزیه و تحلیل تغییرات پدیدار گشته و نقش مناسک در دینداری پرداخته می‌شود.

۷- تکثر گرایي: باور افراد در مورد تکثر گرایي دینی

۸- تفسیر پذیری: منظور ارزیابی نظر و باور افراد درباره وجود حقیقت دین و رای تفسیرهای مختلف است.

۹- سکولاریزاسیون: این مفهوم از طرق مختلف مورد توجه قرار گرفته است: از جمله نقش دین در جامعه، به این معنا دین حق دخالت در عرصه اجتماع را دارد؛ یا از جنبه

دیگر رهایی جامعه از قید دین و یا نوسازی دینی و هم‌نوایی با دنیا معطوف می‌شود. این تحقیق به اذعان محقق محترم، ادعای نوع شناسی کامل با توجه به ابعاد را ندارد؛ بلکه بیشتر بر اساس مولفه‌هایی تقسیم‌بندی شده است که در ارتباط با بحث باورها و ارزش‌های دین است (رجب زاده ۱۳۷۹: ۵۷-۵۶).

میرسندسی (۱۳۸۳) تحقیقی را با عنوان «میزان و انواع دینداری دانشجویان» انجام داده است. او با مرور نظرات مختلف داخلی و خارجی در مورد انواع دینداری تقسیم‌بندی‌های مختلفی از دینداری را مبنای کار تجربی خود قرار می‌دهد که عبارت‌اند از:

- محقق بر اساس نظرات شبستری و سروش به استنتاج انواع دینداری مبتنی بر ابعاد دین می‌پردازد به این معنی که یکی از اصلی‌ترین تقسیم‌بندی‌های انواع دینداری، اولاً به میزان برجستگی یکی از ابعاد اصلی دین نسبت به سایر ادیان و بازتاب آن در دینداری افراد، یا تبلیغ آن از سوی گروه‌های اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند؛ و علاوه بر آن یک وضعیت متعادل و متناسب از هر یک از ابعاد اصلی دین باشد. بدین ترتیب مهمترین انواع دینداری بر این مبنا دینداری مناسک‌گرا، دینداری باورگرا، دینداری تجربه‌گرا و دینداری اخلاق‌گرا می‌باشد.
- بر اساس گفته‌های مک‌گوایر و سروش (در تقسیم‌بندی عامیانه و عالمانه) وجوه دیگری از دینداری را تحت عنوان دینداری رسمی / غیر رسمی ارائه می‌دهد که مطابق آن، حدود و اندازه دینداری افراد در واقعیت و زندگی روزمره در چارچوب خواسته‌ها، دستورات و هنجارهای مراجع رسمی دین مورد توجه قرار می‌گیرد.
- محقق با توجه به مباحثی که در مورد دین و ایدئولوژی مطرح است تقسیم‌بندی دیگری از دینداری را به دست می‌دهد که ورود و عدم ورود دین را به عرصه عمومی می‌رساند و آن را دینداری ایدئولوژیک / غیر ایدئولوژیک نام می‌نهد.
- جنبه‌های دیگری از دینداری در قالب مفاهیم سنتی / نوگرایی در بحث تطور تاریخی ادیان مطرح می‌شود که در دوره‌های جدید این ابعاد با برخورد با مدرنیته دامنه وسیعتری یافته است؛ به طوری که نگرش نسبت به دین را تحت تأثیر قرار داده و در زندگی روزمره افراد بازتاب یافته است. محقق بر این اساس نوع دیگری از دینداری تحت عنوان دینداری سنتی / پویا ارائه می‌دهد.

• محقق نوع دیگری از دینداری با نام دینداری با واسطه/ بی واسطه مطرح می‌کند که بر اساس آن افراد تا چه حد خود را مقید می‌دانند که روند دینداری شان را هماهنگ با خواسته‌ها و دستورات مراجع دینی نمایند.

« بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران » عنوان تحقیقی است که حبیب زاده (۱۳۸۴) با هدف بررسی انواع و میزان دینداری و سهم هرنوع از انواع دینداری در بین دانشجویان، انجام داده است. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از این است که میزان پابندی دانشجویان به ابعاد مختلف دینداری از واریانس قابل توجهی برخوردار است بطوری‌که پاسخگویان در ابعاد اعتقادات دینی، اخلاق و تکالیف فردی بیشترین نمره و در عبادات جمعی، عبادات فردی و دانش دینی کمترین نمره را اخذ کرده‌اند. همچنین دینداری دانشجویان با ترکیب همه ابعاد و متغیرها بیشتر به سمت متوسط میل می‌کند. همچنین نتایج حاصل از این تحقیق نشان دهنده این است که در بین دانشجویان سه نوع دینداری شریعتی، اجتماعی و باطنی وجود دارد به طوری که نزدیک به ۳۸ درصد از دانشجویان دارای دینداری باطنی، حدود ۳۵/۵ درصد دارای دینداری شریعتی و قریب به ۲۸/۵ درصد نیز دارای دینداری اجتماعی هستند. با توجه به اینکه دینداری باطنی از ترکیب ابعادی چون اعتقادات، اخلاق و عبادات فردی تشکیل شده، بیشتر است نشانگر این است که دینداری در بین دانشجویان به سمت خصوصی و فردی شدن میل می‌کند.

تحقیقات انجام شده خارجی

کستر^۱ و همکاران (۲۰۰۴) در تحقیقی تحت عنوان الگوهای طولی از دیدگاه دینداری و همبستگی اجتماعی به بررسی رابطه بین ترقی دینداری با همبستگی اجتماعی دانش آموزان در طی سال دوم و سال آخر دبیرستان پرداخته‌اند. آنها دینداری را به سطوح مختلف تقسیم کرده‌اند که شامل پایین (سال دومی‌ها) - پایین (سال آخری‌ها)، پایین - بالا، بالا - پایین و بالا - بالامی‌باشد. همبستگی اجتماعی نیز از طریق شرکت در فعالیت‌های اجتماعی (کارکردن در مبارزات سیاسی)، شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه و میل و علاقه به انجام کارهای داوطلبانه سنجیده شده‌است. همچنین در این تحقیق رفتارهای انحرافی و خطرناک نیز

شامل استفاده از الکل و ماریجونا می‌شود. نتیجه‌ای که از این تحقیق به دست آمده است این است که سطح دینداری بالا یا ثابت ارتباط مثبتی با همبستگی اجتماعی داشته است. در حالی که دینداری سطح پایین و رو به پایین ارتباط معناداری با رفتارهای انحرافی داشته است. نورما (۲۰۰۰)^۱ در تحقیقی به بررسی کلیسا به عنوان حمایتی اجتماعی^۲ برای زنان پرداخته است. حمایت اجتماعی در این تحقیق دارای شش بعد می‌باشد که این ابعاد عبارت‌اند از: تعلق (دلبستگی)^۳، راهنمایی^۴، پرورش^۵، پیوند قابل اطمینان^۶، همبستگی اجتماعی و ارزش^۷. نمرات^۸ (امتیازات) ۹۹ زن سفید پوست و ۴۴ زن آمریکایی آفریقایی با هر یک از ابعاد حمایت اجتماعی بر اساس قومیت، سن و وضعیت تأهل با استفاده از آزمون تحلیل واریانس مقایسه شده‌اند. نتایجی که این تحقیق بدان‌ها رسیده به شرح زیر است:

۱. در مقایسه زنان بر اساس قومیت، زنان سیاه پوست درک بالاتری^۹ از کلیسای خود به عنوان فراهم کننده حمایت اجتماعی دارند.
۲. در بین گروه‌های سنی مختلف، زنان مسن‌تر نسبت به زنان جوان‌تر نمره بیشتری از حمایت اجتماعی را کسب کرده‌اند.
۳. زنان متأهل درک زیادتری از حمایت اجتماعی نسبت به زنان مجرد، دارند.
۴. و سرانجام زنانی که در این تحقیق مورد نظر خواهی قرار گرفته‌اند هرچه درک و فهم آنان از کلیسا بیشتر می‌شود زمینه حمایت اجتماعی بیشتری برای آنان فراهم می‌شود.

هارولد^{۱۰} (۲۰۰۴) در تحقیقی تحت عنوان «تأثیر عقاید و اعمال دینی دانشجویان بر ابقا^{۱۱} در نهادهای وابسته به کلیسای آموزش عالی» به آزمون مدل بازاندیشی شده از ابقا (ماندن) در بین دانشجویان سال اول حاضر در دانشکده‌های وابسته به کلیسا، به منظور تعیین ماهیت رابطه بین اعمال و عقاید دینی دانشجویان، و همبستگی آنان با نظامهای اجتماعی آن دانشگاه‌ها، و

- | | |
|----------------------|----------------------|
| 1. Norma | 2. Social support |
| 3. Attachment | 4. Guidance |
| 5. Nurture | 6. Reliable alliance |
| 7. Worth | 8. Scores |
| 9. Higher perception | 10. Harold |
| 11. Retention | |

نهایتاً ابقا آنان از سال اول به سال دوم دانشگاه، می‌پردازد. این مطالعه یک طرح پانل^۱ طولی است. جامعه آماری این تحقیق را ۴۰۸ تن از دانشجویان سال اول که در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های وابسته به کلیسا ثبت نام کرده‌اند، تشکیل می‌دهند. جمع آوری داده‌ها در دو مرحله صورت گرفته است، مرحله اول در پاییز ۲۰۰۲ و مرحله دوم در بهار ۲۰۰۳ اجرا شده است.

مطابق نظریه ابقا و نتایج قابل تایید از مطالعات پیشین، دانشجویانی که در این مطالعه به شبکه‌های اجتماعی جامعه دانشگاهی می‌پیوندند، احتمال بیشتری دارد که در سال آینده نیز در دانشگاه ثبت نام کنند. بعلاوه این تحقیق ارتباط بین عقاید دینی دانشجویان و همبستگی اجتماعی و همچنین ثبت نام مجدد در سال دوم دانشگاه را تایید می‌کند. تعهد دینی دانشجویان مقدمه‌ای برای همبستگی دینی دانشجویان فرض می‌شود که نقش تعیین کننده‌ای در فرایند ابقا دانشجوی دانشکده دارد.

دو موضوع خاص این مطالعه دارای اهمیت ویژه‌ای برای نهادهای وابسته به کلیسا هستند:

- ۱- دانشجویانی که عضویت در نهاد کلیسا را به عنوان یک عامل مهم در انتخاب نام نویسی شان، نگاه می‌کنند احتمال بیشتری دارد که به نام نویسی خود در سال‌های بعد ادامه دهند. و
- ۲- دانشجویانی که شرکت آنها در فعالیت‌های دینی ترم پاییزی افزایش می‌یابد میزان بالاتری همبستگی اجتماعی از خود نشان می‌دهند. محقق بر اساس نتایجی که در تحقیق خود بدان دست یافته است یک مدل نظری از تعهد دینی دانشجویان پیشنهاد می‌کند و یک چارچوب نظری برای نوع‌شناسی نهادهای وابسته به کلیسا ارائه می‌دهد.

مبانی نظری پژوهش

کسانی که حداقل با الفبای جامعه‌شناسی آشنایی دارند با شنیدن یا دیدن کلمه همبستگی اجتماعی نام دورکیم بر ذهن آنها نقش می‌بندد. البته عکس این قضیه نیز صادق است؛ یعنی وقتی که نام دورکیم بر زبان کسی یا نوشتاری جاری می‌شود یکی از مهمترین واژه‌هایی که در ذهن هر کس خطور می‌کند، همبستگی اجتماعی است. با توجه به جایگاه دورکیم در بحث

همبستگی اجتماعی و نقشی که دین در این سازه از نظر او دارد، باب سخن را با مرور اندیشه‌های این نظریه پرداز در مورد همبستگی اجتماعی آغاز می‌کنیم.

همبستگی اجتماعی و عوامل موثر بر آن از نظر دورکیم

از نظر دورکیم دو عامل باعث همبستگی و پیوند افراد با یکدیگر می‌شود. این دو عامل یکی وجدان جمعی و دیگری تقسیم کار است. از نظر او هر یک از این عوامل از نظر میزان اهمیتی که در همبستگی اجتماعی دارند بسته به میزان توسعه یافتگی جوامع با یکدیگر متفاوت است؛ به طوری که در جوامع ابتدایی و زمانی که تقسیم کار چندان پیچیده‌ای در جوامع وجود ندارد و افراد جامعه از نظر بیشتر ویژگی‌ها همانند هم هستند در این جوامع عامل تعیین کننده همبستگی اجتماعی وجدان جمعی است؛ اما زمانی که جوامع در مسیر توسعه و تکامل قرار می‌گیرند و تقسیم کار پیچیده‌ای در آنها به وجود می‌آید به تدریج وجدان جمعی رو به ضعف گذاشته و اهمیت خود را در پیوند افراد یک جامعه به یکدیگر از دست می‌دهد و جای خود را به تقسیم کار می‌دهد در این دوره زمانی افراد به خاطر نیاز و وابستگی متقابلی که به یکدیگر دارند به گرد یکدیگر جمع می‌شوند (دورکیم ۱۳۸۱).

پس از نظر دورکیم در جوامع ساده سلطه وجدان جمعی شعاع عمل فردی را محدود می‌کند. این وضع با جریان تحول اجتماعی دگرگون می‌شود، ولی نه از راه نابود شدن نیروی اخلاقی بلکه با تغییر شکل آن. همبستگی ارگانیک نیز برای عمل کردن، به نیروی اخلاقی جامعه نیازمند است. تقسیم کار حاوی شکل اولیه مشخص دورکیم در بررسی روابط میان تاریخ، نیروی اخلاقی و آزادی انسانی است. آزادی در فرار از نیروها و قیدهای اجتماعی نهفته نیست بلکه در استقلال عملی نهفته است که عضویت در جامعه جامعه آن را ممکن می‌سازد (گیدنز ۱۳۶۳: ۲۶).

بررسی دقیق‌تر مفاهیم دین و همبستگی اجتماعی نیازمند این است که ما خود را فقط به بحث‌های دورکیم راجع به این مفاهیم محدود نکرده و بررسی مفاهیم دین و همبستگی اجتماعی را بعد از دورکیم مرور کنیم. از گذر چنین مباحثی است که ما می‌توانیم موضع دقیق‌تری را در این رابطه اتخاذ کنیم و در پایان این مباحث مشخص کنیم که همین ادعای دورکیم را پذیرفته یا کسانی دیگری را باید ملاک قرار دهیم و یا اینکه نظریه خود دورکیم را

البته با یکسری اصلاحات بر گزینیم. با توجه به اینکه سیر تاریخی این دو مفهوم متفاوت است، منظور اینکه یک عده‌ای تنها بحث همبستگی اجتماعی را دنبال کرده، عده‌ای نیز فقط به موضوع دین پرداخته‌اند و عده‌ای نیز به بررسی و نقش دین در همبستگی اجتماعی پرداخته‌اند، به همین خاطر به طور جداگانه هر یک از این مفاهیم مورد بررسی قرار می‌گیرند. این تحقیق قصد مرور تمام نظریات هر سه گروهی را که مطرح شده‌اند ندارد و تنها آن نظریاتی را مرور می‌کند که به درک مفهومی و رابطه‌ای این دو، یعنی مفهوم دین و همبستگی اجتماعی، کمک کند. بدین ترتیب این نظریات در دو قسمت جداگانه بررسی می‌شوند. در هر یک از این دو قسمت ابتدا تعاریف مختلف از هر مفهوم ارائه شده، سپس تغییر و تحولاتی که راجع به این مفاهیم بعد از دورکیم صورت گرفته، پرداخته می‌شود در قسمت پایانی نیز چارچوب نظری تحقیق که از خلال مباحث مطرح شده بیرون می‌آید، مشخص می‌شود.

همبستگی اجتماعی و نظریه پردازان آن بعد از دورکیم

همبستگی اجتماعی روابط اجتماعی را می‌رساند. در چنین شرایطی اعضای یک جامعه مبادلات و آن روابط اجتماعی را که معمولاً باید داشته باشند را دارا هستند (بیرو ۱۳۷۵: ۱۹۶).

سیمن همبستگی اجتماعی را این چنین تعریف می‌کند: همبستگی اجتماعی واقعیتی است ذهنی که در آن فرد تعلق و وابستگی تامه‌ای را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند (سیمن^۱ ۱۹۵۹، به نقل از محسنی تبریزی ۱۳۷۰: ۶۸).

در مورد نظریه پردازان همبستگی اجتماعی به سه تن از این نظریه پردازان (پارسنز، لاکوود و لندکر) اشاره می‌شود.

پارسنز - پارسنز از دورکیم آموخت که به فرایند عمل و ضد عمل نیروهای همبستگی و بی سازمانی اجتماعی، افتراق و یگانگی در نظام اجتماعی توجه کند (روشه ۱۳۷۶: ۲۶)

در هر نظام کنش برخی از اجزای کنش کارشان مراقبت و جلوگیری از گرایش‌های کجروی و حفظ هماهنگی میان اجزا و دوری کردن از اختلالهای عمیق است. کار این مجموعه کنش‌ها را پارسنز همبستگی می‌نامد، منظور از آن بعد ثبات بخشنده نظام است، بعدی که منش‌های حمایت‌گر نظام در برابر تغییرات ناگهانی و اختلال‌های بزرگ، و کنشهایی که باید

یکپارچگی و همبستگی لازم برای ماندگاری نظام را تامین کند، در آن جای دارد (روشه ۱۳۷۶: ۷۶-۷۷).

نظام اجتماعی با کارکرد یگانگی متناظر است؛ این نظام اجتماعی است که همبستگی ایجاد می‌کند، وفاداری به اصول و به پیمانها را به وجود می‌آورد، حدود و فرجه آزادی عمل را به وجود می‌آورد (روشه ۱۳۷۶: ۸۲).

لاکوود - لاکوود بین همبستگی اجتماعی و همبستگی نظامی تمایز قائل می‌شود. مساله همبستگی اجتماعی بر روابط منظم یا تضادی بین عاملها توجه دارد، در حالی که مساله همبستگی نظامی بر روابط منظم یا کشمکش بین بخشهای نظام متمرکز است (مرگان و گلن^۱، ۲۰۰۱: ۷).

برخی از آنها همبستگی اجتماعی را در دو سطح خرد و کلان قابل تقسیم می‌دانند و از همبستگی در سطح خرد تحت عنوان همبستگی اجتماعی و از همبستگی در سطح کلان به عنوان همبستگی نظامی یاد می‌کنند. لاکوود قائل به چنین تقسیم بندی می‌باشد. به نظر می‌رسد براین اساس می‌توان دورکیم را در میان کسانی قرار داد که بیشتر به همبستگی اجتماعی در سطح خرد پرداخته و پارسنز نیز از جمله کسانی است که بیشتر به همبستگی اجتماعی در سطح کلان توجه نموده است. هرچند که برخی از نظریه پردازان در تحلیل‌هایی که از این دو نظریه پرداز ارائه می‌دهند معتقدند نظریات آنها در هر دو سطح قابل کاربست می‌باشد.

لندکر - ورنر لندکر^۲ جامعه‌شناس آمریکایی با مرور آثار جامعه‌شناسی به این نتیجه رسیده است که جامعه‌شناسان هیچ‌گونه تعریف عامی از همبستگی اجتماعی ارائه نداده‌اند. به زعم او هریک از آنها یک نوع از همبستگی اجتماعی را تعریف کرده‌اند به نظر لندکر این موضوع به آن علت است که این مفهوم بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را تعریف و یا با یک شاخص سنجید. راه حل این موضوع از نظر او این است که ما ابتدا انواع^۳ همبستگی اجتماعی را از هم تفکیک کرده و سپس هر یک از آنها را به طور دقیق تعریف نماییم و در مرحله بعد برای سنجش هر نوع شاخصی را طراحی کنیم (کوثری ۱۳۷۵: ۵۲).

-
1. Morgan and Glenn
 2. Werner Landecker
 3. Types

لندکر معتقد است که اگر ما این را به عنوان یک مقدمه^۱ بپذیریم که کوچکترین واحدهای هر گروه اجتماعی از سویی استانداردهای فرهنگی^۲ و از سوی دیگر افراد و رفتارهای آنهاست، سه نوع همبستگی را می توان از یکدیگر تفکیک کرد:

- همبستگی بین استانداردهای فرهنگی

- همبستگی بین استانداردهای فرهنگی و رفتاراشخاص

- همبستگی بین اشخاص

لندکر نوع اول را همبستگی فرهنگی^۳ و دومین نوع را همبستگی هنجاری^۴ می نامد. همبستگی بین اشخاص به مبادله میان افراد اشاره دارد. از آنجا که هم معانی^۵ و هم خدمات^۶ بین افراد مبادله می شود، به دو نوع انسجام تقسیم می شود: همبستگی ارتباطی^۷ و همبستگی کارکردی^۸ (همان: ۵۳-۵۲).

دین

در این قسمت ابتدا تعاریف مختلف و متعدد دین و دینداری ارائه می گردد. سپس مباحث دورکیم در مورد دین مرور می شود. بعد از بررسی نظریه دورکیم در مورد دین، انتقادات وارد بر او و کسانی که در جهت تکمیل نظریه او و رفع انتقادات وارده بر آن بر آمدند، اشاره می شود. از گذر انتقاداتی که به نظریه دین دورکیم و رهروان او شده است، انواع دینداری مطرح می شود.

تعریف دین

از منظر جامعه شناسی دو نوع تعریف از دین ارائه شده است: تعریف اسمی یا ذات گرا و تعریف کارکردی یا شمول گرا. تعاریف کارکردگرا دین را عمدتاً به عنوان پدیده ای در نظر می گیرند که عهده دار کارکردهای اجتماعی و یا روانی خاصی مثل انسجام اجتماعی (دورکیم)؛

1. Premise

3. Cultural integration

5. Meaning

7. Communicative integration

2. Cultural standards

4. Normative integration

6 Services.

8. Functional integratin

نظام معنایی فراگیر (لاکمن)؛ یا نظام معانی غایی (بینگر) است و با این کارکردها مشخص می‌شود. در تعاریف اسمی یا ذاتی از دین، دین به عنوان نظامی از باورها و عقاید و مناسک که مربوط به یک امر مقدس است اطلاق می‌شود (سراج زاده ۱۳۷۷). همچنین وقتی صحبت از سنجش دین در سطح خرد می‌شود بحث دینداری به وجود می‌آید که صفت افراد یک جامعه است. به همین منظور گلارک (۱۹۵۹) چهار بعد را برای سنجش تجربی دین در نظر گرفته‌است که شامل بعد اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی می‌شود. این ابعاد الگوی بیشتر تحقیقات داخلی و خارجی دین است.

دین از نظر دورکیم

از نظر دورکیم، دین چیزی جز نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست. دین نظام فکری است که افراد، جامعه را به وسیله آن به خودشان باز می‌نمایانند و روابط مبهم و در ضمن صمیمانه شان را با جامعه از این طریق بیان می‌کنند. پس به نظر دورکیم، دین نه یک توهم است و نه یک چیز اساساً ساختگی. وقتی مومنان این اعتقاد را پیدا می‌کنند که وابسته و مطیع یک قدرت خارجی‌اند که همه چیزهای فی‌نفسه خوبشان را از او دارند، در واقع فریب نخورده‌اند؛ این قدرت در واقع وجود دارد و آن هم جامعه است. اما دین فقط نظامی از باورداشت‌ها و مفاهیم نیست، زیرا که دین نظام کنش نیز هست و در برگیرنده مناسک عملی است (همیلتون ۱۳۷۷: ۱۷۶).

هرچند دورکیم دین را شامل یکسری اعتقادات و اعمال و مناسک می‌داند؛ ولی اهمیت یکسانی برای آن دو قائل نیست. از نظر دورکیم مناسک اهمیت بیشتری در دین دارند و باعث حفظ اعتقادات و ارزش‌ها می‌شوند؛ به طوری که از به اعتقاد او «دین زاییده مناسک است. [دورکیم اظهار می‌دارد] از طریق مشارکت در مراسم و مناسک مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند» (همیلتون ۱۳۸۱: ۱۷۷-۱۷۶). در جریان همین مراسم است که چیز مقدس آفریده و باز آفریده می‌شود، آدمی در چنین حالت وجدی که حاصل می‌شود خود را دیگر باز نمی‌شناسد. مراسم دینی هم انگیزه اشتیاق جمعی و چشمه ابداع است و هم در عین حال تجدید عهد و پیمان به عقاید و سمبل‌های موجود را باعث می‌شود و برای همین تجدید عهد است که مراسم به طور

تکراری و دوره‌ای انجام می‌شود. مراسم دینی آرمان‌های جمعی را زنده نگه می‌دارد. چنین آرمان‌هایی پایه اصلی انسجام است (گیدنز ۱۳۶۳: ۸۱-۸۰). به نظر دورکیم در این فرایند، مناسک همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند (همیلتون ۱۳۸۱: ۱۷۷).

نقد دورکیم و ظهور انواع دینداری

از میان نظریه پردازان عرصه دین، دورکیم (۱۳۸۱) مهمترین کسی است که به طور مفصل و با استناد به مطالعات انجام شده به نقش دین در همبستگی اجتماعی اشاره می‌کند. این نگاه یکجانبه دورکیم نسبت به دین از سوی نظریه پردازان متعددی مورد نقد قرار گرفت؛ به طوری که آنها بر این نظرند که دین همانقدر که می‌تواند شرایط انسجام یک جامعه را فراهم کند به همان اندازه نیز می‌تواند باعث کشمکش و تضاد در یک جامعه شود. چون در یک جامعه خاص ممکن است انواع دین و یا کیش‌ها و فرقه‌های مختلفی از دین وجود داشته باشند. با این انتقاد رهروان دورکیم را بر آن داشت که در جهت اصلاح نظر دورکیم گام بردارند و به این نتیجه رسیدند که دین کارکرد دو گانه می‌تواند برای افراد از یک سو و برای جامعه از سوی دیگر داشته باشد. برای جامعه علاوه بر انسجام آن ممکن است در شرایطی به از هم گسیختگی یک جامعه منجر شود (همیلتون، ۱۳۷۷). علاوه بر اینکه بحث مربوط به ادیان مختلف و فرقه‌ها و کیش‌های مختلف در یک دین در نظریه دورکیم جایی ندارد، بحث جدیدی نیز در جریان دوران مدرنیته در دین به وجود آمده است به این معنی که افراد در یک دین مشخص نگاه‌ها و تلقی‌های مختلفی از دین دارند که ممکن است انسجام اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار دهد.

از این تلقی‌ها و نگاه‌های مختلف نسبت به دین به عنوان انواع دینداری یاد می‌شود. حال این سوال مطرح می‌شود که ظهور انواع دینداری در بین اقشار مختلف یک جامعه چه عواقبی را برای یک جامعه در پی خواهد داشت؟ آیا مطابق نظریه دورکیم انواع دینداری کارکرد همبستگی اجتماعی خود را ایفا خواهد کرد یا اینکه خلاف نظریه دورکیم آنطور که منتقدان او می‌گویند باعث کشمکش و تضاد در جامعه نیز می‌شود؟ البته در مورد دورکیم این نکته را باید توجه داشت که از نظر او با مدرن شدن یک جامعه سهم دین در همبستگی اجتماعی تضعیف می‌شود. از آنجایی که دورکیم یک نگاه غیر ماهوی و غیر قدسی نسبت به دین دارد و هر گونه

اعتقادات مشترک را دین می‌نامد، در دوران مدرن هرچند تقسیم کار باعث انسجام اجتماعی بیشتر می‌شود ولی دورکیم معتقد است این انسجام از رهگذر اعتقادات مشترک و الزامات اخلاقی درون هر گروه صنفی خاص حاصل می‌شود. بدین ترتیب نقش دین به معنای دورکیمی آن همچنان در تکوین همبستگی اجتماعی باقی می‌ماند. اگر معنای دین را از نظر دورکیم ملاک قرار دهیم در دوران مدرن برای بررسی نقش دین باید نگاه صرفاً درون دینی داشته باشیم و درگروه‌های شغلی خاص نیز این موضوع را دنبال کنیم. اگر دین را به معنای باورها و اعتقادات مقدسی و ماهوی در نظر بگیریم کارکرد دین را در طیف وسیعی از افراد جامعه می‌توان به آزمون کشید و در آنجاست که می‌توان راجع به کارکرد دین در عالم واقع داوری نمود و دید که آیا نظریه خود دورکیم صحیح است یا منتقدان او؟

مرور متونی که راجع به انواع دینداری نگاشته شده است، چنین می‌نماید که نظریه پردازان مختلف عرصه دین اظهار نظرهای مختلفی در مورد انواع دینداری دارند و هریک، یک دسته بندی ویژه‌ای از انواع دینداری ارائه داده و می‌دهند؛ به طوری که این دسته بندی را نمی‌توان به طور مستقل در نظر گرفت و آنها را از یکدیگر تفکیک کرد. با این وجود در اینجا تنها نظریه‌های دو تن از اندیشمندان و متفکران خارجی، باربور و هیک، که راجع به انواع دینداری صحبت کرده و به درک ما در رابطه انواع دینداری با همبستگی اجتماعی کمک می‌کند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

باربور - باربور معتقد است که در جریان توسعه علم در پرتو یافته‌های مختلف علمی و فکری چند قرن اخیر، صور مختلف دین دینداری پدید آمده که هر یک با توجه به تأکیدی که بر سایر انواع معرفت، به ویژه علم، داشته‌اند و به میزان توجه و اصالت دادن به تجربه و عقل، نوعی از دینداری را قابل دفاع دانسته و مبلغ آن شده‌اند.

بر این اساس می‌توان مرتبط با توسعه علم و ارزش‌های آن و در بیانی کلی‌تر مدرنیته از صور مختلف دینداری یاد کرد.

باربور بر این نظر است که اگر دین سنتی را دینی در نظر بگیریم که در آن اعتقاد به وحی و نص محور است و عقل مدد رسان آن محسوب می‌شود. با توسعه معرفت علمی که مقارن با توسعه عقل گرایی است، صورت‌های دیگری از دینداری پدید می‌آید. که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

- ۱- دینی که در آن عقل و علم همتراز و همراه با وحی ما را به خدا رهنمون می‌کنند.
- ۲- دینی که در آن عقل و علم مستقل از وحی و حاکم بر وحی ما را به خدا رهنمون می‌کنند.
- ۳- نفی دین توسط عقل و علم، که با علم‌گرایی، قوت روشنگری (عقل‌گرایی) و تجربه‌گرایی خام همراه است.
- ۴- دین شخصی که بر تجربه شخصی از امر قدسی استوار است و قلمرو آن از علم و عقل تفکیک شده است.
- ۵- دین اخلاقی که بر تجربه اخلاقی تکیه می‌کند و قلمرو هستی‌شناختی را ترک کرده است.
- ۶- نص‌گرایی و بنیاد‌گرایی که بر نقد و نفی علم و عقلانیت جدید و کفایت‌های آن از یک سو و وحی، متن مقدس و سنت به عنوان راه درست دین از سوی دیگر تأکید می‌شود. این موضوع با نوعی بازگشت یا تأکید بر دریافت‌های سنتی از دین و نگاه به عقل به عنوان مدد رسان وحی و نص همراه است و می‌توان آن را همان موضع دینی سنتی تلقی کرد که در دفاع از خود به نقد علم و عقلانیت جدید می‌پردازد.
- ۷- تلقی نمادی از تعلیمات دینی مغایر با یافته‌های علمی (رجب زاده ۱۳۷۹: ۵۴).

هییک - هییک^۱ نگرش‌های مختلفی را که در روند تحول موضع‌گیری مسیحیت (کلیسا) نسبت به تنوعات و تکثرات و یا به عبارتی تنوع ادیان شکل گرفته به سه دسته تقسیم می‌کند: انحصارگرایی^۲، شمول‌گرایی^۳ و کثرت‌گرایی^۴. هر یک از این سه نوع نگرش که ما از آن به سه نوع دینداری یاد می‌کنیم در مرحله تاریخی معینی مطرح شده است. انحصارگرایی در شورای اول واتیکان (۱۴۴۵-۱۴۳۸م) صورت رسمی به خود گرفت. شمول‌گرایی در شورای دوم واتیکان و پس از پنج قرن (۱۹۶۵-۱۹۶۳م) مطرح شد. در حالی که کثرت‌گرایی در حال حاضر یکی از چالش‌های اساسی محسوب می‌شود و این امر حاکی از سرسختی کلیسا در قبول

1. John Hick
2. Exclusivism
3. Inclusivism
4. Pluralis

تنوعات دینی است.

انصار گرایي نجات و آزادی انسان را منحصر به یک سنت دینی خاص مرتبط می‌سازد. به نحوی که این از جمله عقاید دینی مباحث ایمانی ایشان است که نجات منحصر به همین گروه خاص بوده و بقیه ابنای بشر یا از معرکه بیرون می‌مانند و یا اینکه به صراحت از قلمرو نجات و رستگاری مستثنی می‌شوند. هیک اصلی‌ترین بیان چنین اعتقادی را در این عقیده جزمی می‌بیند که: «در بیرون از قلمرو کلیسا، نجات و رستگاری وجود ندارد» (هیک ۱۳۷۸: ۶۵).

با توجه به توضیحاتی که هیک در مورد انحصارگرایی می‌دهد می‌توان گفت که در میان افرادی که دیدی انحصارگرایانه نسبت به دین دارند اصول و عقاید دینی نقش بسیار مهمی در ارتباط با دیگران نزد آنها دارند و شبکه ارتباطی و همبستگی اجتماعی آنها با هم کیشان و هم مسلکان آنها بسیار قوی‌تر است نسبت به کسانی که با آنها هم عقیده نیستند.

هیک شمول‌گرایی را با توجه به موضع مسیحیت تعریف می‌کند هرچند که معتقد است در داخل هر یک از ادیان این دیدگاه می‌تواند رواج یابد؛ با اینحال این دیدگاه تنها در مسیحیت به طور رسمی از جانب کلیسای کاتولیک مورد تایید قرار گرفته‌است. فرد شمول‌گرای مسیحی معتقد است که مغفرت الهی و پذیرش انسان‌ها با مرگ (تصلیب) عیسی مسیح ممکن گردیده‌است، اما آثار و منافع این ایثار و از خود گذشتگی هرگز به کسانی که به طور آشکار نسبت به آن ابراز ایمان می‌کنند محدود نیست. همه افراد بشر به واسطه مسیح در معرض لطف و رحمت الهی قرار دارند، هرچند که هرگز نام عیسی مسیح را نشنیده باشند (هیک، ۱۳۷۷: ۶۷).

در ارتباط با تأثیری که این رویکرد به دین بر نگرش و نیز نحوه تعامل دینداران می‌گذارد با توجه به اصول اساسی آن می‌توان به این نکته اشاره کرد که شمول‌گرایان همانند انحصارگرایان تنها دین خویش را برحق می‌دانند، با اینحال برای پیروان سایر ادیان تا حدی حقیقت قایلند، البته به شرط اینکه در سنت دینی خویش انسان‌های درستکاری باشند، بدین ترتیب می‌توان گفت که دینداران شمول‌گرا در مقایسه با دینداران انحصارگرا در ارتباط با دیگران تساهل بیشتری از خود نشان می‌دهند.

کثرت‌گرایی آخرین مرحله از تحول نگرش کلیسا نسبت به ادیان می‌باشد که البته هنوز محل چالش بسیاری است. هرچند این دیدگاه به طور رسمی از سوی کلیسا پذیرفته نشده

است اما دینداران بسیاری هستند که تنوع ادیان و تفاسیر موجود از دین را قبول دارند (صابر، ۱۳۸۴).

با توجه به تفسیری که از تکثرگرایی دینی ارائه شد می‌توان گفت که در این نوع نگرش به دین از یکسو از همبستگی اجتماعی ادیان و همزیستی مسالمت آمیز بین آنها صحبت می‌شود (تکثر گرایی برون دینی) و از سوی دیگر در یک دین واحد انواع تفسیرهایی که از دین وجود دارد صاحب حقیقت دانسته می‌شود. بدین ترتیب این نوع نگاه به دین راه را برای برقراری ارتباط و انسجام بین انواع دینداران هموار می‌کند.

با توجه به این سه رویکردی که بحث شد سه نوع دینداری را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد که هر کدام بر مبنای حقانیتی که برای دین و آموزه‌های آن دارند منجر به انسجام درون دینی یا برون دینی می‌شود. بدین ترتیب دینداران انحصارگرا شبکه اجتماعی خود را محدود به هم مسلکان دینی خود می‌کنند و انسجام قوی با این افراد دارند در حالی که دینداران کثرت گرا شبکه اجتماعی خود را محدود به طیف خاصی از دینداران نکرده و انسجام اجتماعی آنها با دیگران ورای اعتقادات دینی شدت و ضعف پیدا می‌کند.

چارچوب نظری

با اصلاحاتی که بر نظریه دورکیم وارد است می‌توان گفت که چارچوب نظری این تحقیق را نقشی که دورکیم برای دین در همبستگی اجتماعی قائل است، تشکیل می‌دهد. حال به طور دقیق‌تر چرایی انتخاب این نظریه و نحوه ترمیم آن با کمک نظریه‌های مختلف دیگری که راجع به دین و همبستگی اجتماعی شده است، بیان می‌شود.

در بحث تعریف مفهومی همبستگی اجتماعی گفته شد که همبستگی اجتماعی دارای دو بعد ذهنی و عینی است و دورکیم به هر دو بعد آن توجه نموده است. این تحقیق به منظور سنجش هر چه جامع‌تر این مفهوم هر دو بعد آن را به عنوان اجزای همبستگی اجتماعی در نظر می‌گیرد. با این انتخاب انواع مختلفی که از همبستگی اجتماعی از سوی نظریه‌پردازان این مفهوم پس از دورکیم عنوان گردیده است به خودی خود کنار گذاشته می‌شوند. از میان انواع مختلف همبستگی اجتماعی که همبستگی فرهنگی، هنجاری، ارتباطی و کارکردی بودند، با توجه به تعریف آنها تنها همبستگی ارتباطی به منظور ما از همبستگی اجتماعی نزدیک است

که تنها یک بعد همبستگی اجتماعی، یعنی بعد ذهنی، را پوشش می‌دهد. علاوه بر اینکه تعریف مفهومی همبستگی اجتماعی از نظر دورکیم با در نظر گرفتن دو بعد آن در هیچ یک از انواع همبستگی اجتماعی دیده نشده است، همچنین هیچ یک از این نظریه‌پردازان به نقش دین در همبستگی اجتماعی اشاره نکرده‌اند. بدین ترتیب در بحث همبستگی اجتماعی الگوی این تحقیق با نظریه دورکیم متناظر است.

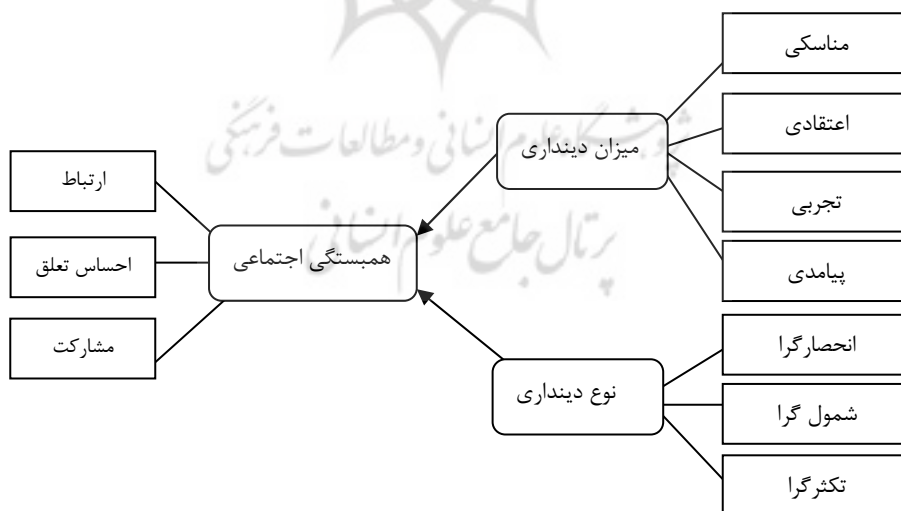
در بحث دین، مفهوم ذاتی و اسمی این واژه به منظور بررسی تجربی ملاک قرا می‌گیرد که بر این اساس دین شامل یکسری باورها و عقاید و مناسک راجع به یک امر مقدس است، گفته می‌شود. با این تعریف از دین، تعریف دورکیم از دین به خاطر عدم در نظر گرفتن جنبه قدسی برای باورها و مناسک رد می‌شود. منظور از دینداری که صفت افراد جامعه و سطح خرد دین است، میزان پایبندی و تعهد یک فرد به باورها و مناسک دین خود است. به منظور سنجش دینداری ابعادی که گلارک برای دینداری در نظر گرفته است و اعتبار و روایی این ابعاد به کرات از سوی تحقیقات مختلف مورد تایید قرار گرفته است، مورد توجه قرار می‌گیرد.

این بحث دورکیم که دین کارکرد انسجامی برای یک جامعه دارد پذیرفتنی است ولی ایرادی که به کار دورکیم وارد است این است که کیش‌ها و فرقه‌های مختلفی که در یک دین ممکن است وجود داشته باشد و دارای کارکرد تضادی برای جامعه باشد در نظریه دورکیم جایی ندارد. علاوه بر این تلقی‌های مختلفی که از دین در جریان مدرنیته و واکنش‌های کلیسا نسبت به پیامدهای این جریان برای دین شده بود ظهور انواع دینداری را در جوامع به همراه داشت، که این انواع دینداری شاید تأثیرات متفاوتی بر همبستگی اجتماعی بگذارند، مورد توجه دورکیم قرار نگرفته است. درمورد انواع دینداری، این تحقیق نه در پی ارائه یک تقسیم‌بندی جامع و کاملی از انواع دینداری است و نه خیال محدود کردن خود به انواع خاصی از دینداری را دارد. ملاک انتخاب ما از انواع دینداری بر مبنای هدفی است که در این مطالعه دنبال می‌کنیم یا بهتر بگوییم ملاک انتخاب ما از انواع دینداری را ادعایی که به عنوان مساله تحقیق مطرح کردیم مشخص می‌کند. آنطور که در سطور آغازین این مطالعه بدان اشاره کردیم ما مترصد پاسخگویی تأثیر انواع دینداری بر همبستگی اجتماعی هستیم و بر این عقیده‌ایم که به نظر می‌رسد انواع متفاوت دینداری تأثیرات متفاوتی نیز بر همبستگی اجتماعی و شاید دقیق‌تر هم بتوان گفت که حتی تأثیرات متفاوتی بر ابعاد مختلف همبستگی اجتماعی دارند. با

توجه به همین ادعا ما آن انواعی از دینداری را مبنای کار خود قرار می‌دهیم که بتوان مکانیسم علی تأثیر گذاری آن را بر همبستگی اجتماعی توضیح داد.

چنین می‌نماید که رابطه دینداری انحصارگرا/ تکثرگرا با همبستگی اجتماعی از انواع دیگر دینداری مشخص‌تر است؛ به طوری که اولاً به میزانی که افراد در دینداری انحصارگرا یا تکثرگرا باشند میزان ارتباط و احساس تعلق آنها (ابعاد همبستگی اجتماعی) به اجتماعات مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ثانیاً اگر این دینداران در ارتباط و احساس تعلق خود به دیگران به اعتقادات دینی اهمیت دهند، بسته به اینکه افراد دارای دینداری انحصارگرا یا تکثرگرا باشند همبستگی اجتماعی آنها شدت و ضعف می‌یابد. با این توضیحات تقسیم بندی هیک از دینداری که سه نوع دینداری انحصارگرا، شمول‌گرا و تکثرگرا را تشخیص می‌دهد و معتقد است که این سه نوع دینداری تعاملات افراد با دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به عنوان انواع دینداری در این تحقیق بررسی می‌شوند.

بر این اساس مدل نظری این تحقیق عبارت‌اند از:



فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی

بین نوع دینداری (انحصارگرا/ تکثرگرا) با همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که هرچه دانشجویان تلقی تکثرگرایانه‌تری از دین داشته باشند از همبستگی اجتماعی قوی‌تری برخوردارند.

فرضیات فرعی

- بین میزان دینداری با همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین هریک از ابعاد دینداری با همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق و شیوه جمع آوری اطلاعات

روش این تحقیق از نوع پیمایشی است و اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع آوری شدند.

جمعیت آماری

جمعیت آماری این تحقیق را دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه تربیت معلم واحد حصارک در سال تحصیلی ۸۵-۸۶ تشکیل می‌دهند. تعداد این دانشجویان ۴۰۰۰ نفر می‌باشد.

شیوه نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

نمونه‌گیری از جمعیت آماری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. خوشه‌های مرحله اول را دانشکده‌ها، مرحله دوم را گروه‌های هردانشکده و مرحله سوم را کلاس‌های هر رشته تشکیل می‌دهند. برای هر رشته دو کلاس، که در یک کلاس دانشجویان ورودی جدید و در کلاس دیگر دانشجویان ورودی قدیم اکثر آنان را تشکیل دهند، در نظر گرفته شد؛ بدین ترتیب ۲۸ کلاس (۱۴ رشته در ۲ کلاس برای هر رشته) مجموع کلاس‌های مورد مراجعه را تشکیل می‌دهند. با در نظر گرفتن میانگین ۲۰ دانشجو برای هر کلاس، حجم نمونه ۵۶۰ دانشجو می‌شود. این تعداد پرسشنامه، در عمل به عدد ۴۳۰ کاهش یافت. علت اصلی این کاهش چشمگیر را می‌توان در غیبت زیاد دانشجویان در هر کلاس به خصوص رشته‌های انسانی جستجو کرد، چرا که موعد مراجعه ما به کلاس‌ها و دانشجویان جهت جمع‌آوری

اطلاعات هفته آخر تشکیل کلاس‌های ترم بهاره بود. علت دیگر، عدم عودت تمام پرسشنامه‌های هر کلاس از سوی دانشجویان می‌باشد. از تعداد ۴۳۰ پرسشنامه تکمیل شده دانشجویان تعداد ۲۱ پرسشنامه در بررسی‌های اولیه به خاطر عدم تکمیل کامل پرسشنامه‌ها و جواب‌های نادرست از سوی دانشجویان، از تجزیه و تحلیل خارج شدند. با کنار گذاشتن این تعداد از پرسشنامه‌ها، تعداد پرسشنامه‌ها جهت تجزیه و تحلیل به ۴۰۹ عدد کاهش یافت.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

همبستگی اجتماعی، دینداری و نوع دینداری مهمترین مفاهیم این تحقیق هستند. تعاریف نظری و عملی هر یک از این مفاهیم به تفکیک مورد بحث قرار می‌گیرد.

همبستگی اجتماعی

بر اساس نظر کوهن (۲۰۰۰) ابعاد همبستگی اجتماعی را می‌توان ارتباطی، مشارکتی و احساس تعلق در نظر گرفت. بر این اساس تعریف هر یک از این ابعاد در پی می‌آید.

بعد ارتباطی: وقتی صحبت از ارتباط با دیگران به میان می‌آید بحث ماهیت خود ارتباط و یا شبکه اجتماعی مطرح می‌شود. شدت ارتباط یا همان میزان صمیمیت با گروه‌ها و افراد مختلف نیز از جمله موضوعات مهم در این زمینه است.

مشارکت: در اینجا منظور از مشارکت عضویت و میزان فعالیت دانشجویان در تشکل‌های داخل و بیرون دانشگاه می‌باشد.

بعد احساس تعلق: منظور از احساس تعلق، میزان دلبستگی دانشجویان به گروه‌ها و افرادی است که با آنها ارتباط دارند.

دینداری

مفهوم دینداری در این تحقیق شامل ابعاد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی می‌شود. جدول زیر مولفه‌های در نظر گرفته شده را به تفکیک هر بعد نشان می‌دهد این مولفه‌ها از تحقیقی که صابر در سال ۱۳۸۴ انجام داده استخراج شده‌اند.

معرف‌های تشکیل دهنده مفهوم دینداری به تفکیک ابعاد آن

ابعاد دین	گویه‌ها
اعتقادی	- به زندگی پس از مرگ و رسیدگی به اعمال نیک و بد انسان در آن ایمان دارم
	- هنوز مطمئن نیستم خدا واقعاً وجود دارد
	- روزی منجی بشریت ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل داد خواهد نمود.
	- شیطان واقعاً وجود دارد
	- من به بهشت و جهنم اعتقاد دارم.
تجربی	- در پیشگاه خداوند به من احساس ترس و کوچکی دست می‌دهد.
	- پس از انجام محرمات دینی احساس پشیمانی و ندامت می‌کنم.
	- هرگاه به یکی از اماکن مذهبی می‌روم احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد.
	- گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام.
پیامدی	- اداره جامعه باید بر اساس تعالیم دین صورت گیرد.
	- آموزه‌های دینی باید ملاک و معیار اصلی در تدوین قوانین جامعه باشد.
	- رهبران سیاسی باید کاردان باشند و مذهبی بودنشان چندان مهم نیست.
	- دین امری فردی است و نباید در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی دخالت کند.
	- بدون رعایت امور شرعی نمی‌توان دیندار بود.
مناسکی	- خواندن نماز
	- خواندن قرآن
	- دعا و نیایش
	- روزه
	- شرکت در اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها که در مساجد و تکیه‌ها برگزار می‌شود.

شاخص کل دینداری از مجموع نمرات افراد در گویه‌های مذکور حاصل شده‌است.

نوع دینداری

دینداری تکثرگرا، شمول‌گرا و انحصارگرا انواع دینداری مورد بررسی در این تحقیق است. برای این نوع از دینداری‌ها مولفه‌های مختلفی در نظر گرفته شده است. این مولفه‌ها از تحقیق رجب زاده (۱۳۷۹) و صابر (۱۳۸۴) اخذ شده است. مولفه‌های در نظر گرفته شده دینداران کثرتگرا و انحصارگرا را در یک طیف قرار می‌دهد که در یک سوی طیف دینداران کثرتگرا و در سوی دیگر

آن دیندارای انحصارگرا قرار می‌گیرند. در وسط طیف نیز دینداران شمول‌گرا قرار می‌گیرند.

معرف‌های انواع دینداری

- همه ادیان بر حق هستند و هرکدام راهی متفاوت برای رسیدن به خداست
- هرکدام از ادیان راه نجات و رستگاری را به پیروانشان نشان می‌دهند
- مذاهب شیعه و سنی از لحاظ حقانیت همانند یکدیگر هستند.
- هیچ فرقه‌ای در بین مسلمانان نمی‌تواند مدعی شود که فقط درک و فهم او از دین درست است.
- تفسیرهای مختلفی که از اسلام و قرآن می‌شود به یک اندازه معتبر است
- اسلام تنها دین بر حق است و پیروان دیگر ادیان در گمراهی و ضلالت به سر می‌برند.
- درهای بهشت فقط برای مسلمانان باز است و پیروان ادیان دیگر امکان ورود به آن را پیدا نمی‌کنند.
- اسلام تنها دین حق است.
- در اسلام فقط شیعه است که به خاطر باور به امامت ائمه می‌تواند از عذاب آخرت نجات یابد و پیروان مذاهب دیگر امکان نجات نخواهند داشت.
- صرفاً یک اسلام واقعی وجود دارد و آن هم اسلام محمدی و تشیع علوی است.
- با وجود تنوع آرائی و اندیشه‌ها نمی‌توان از افراد انتظار داشت، برداشت یکسانی از دین داشته باشند.
- برداشتهای مختلف از دین هرکدام بهره‌ای از حقیقت دارند.

شاخص نوع دینداری از مجموع نمرات افراد به گویه‌ها ساخته شده است.

یافته‌های تحقیق

ویژگیهای جمعیت نمونه

جنسیت- در جمعیت ۴۰۹ نفره نمونه، ۳۱،۳ درصد افراد زن و ۵۸،۴ درصد مرد هستند. ۱۰،۳ درصد افراد نیز جنسیت خود را مشخص نکرده‌اند.

سن- میانگین سن دانشجویان نمونه ۲۱ سال با انحراف معیار ۱،۷ می‌باشد. حداقل سن ۱۸ و حداکثر سن ۳۰ می‌باشد.

مذهب- بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان شیعه و ۸،۶ درصد سنی بوده‌اند. مابقی (۱۳،۴ درصد) گزینه سایر را انتخاب و یا از پاسخ به این سوال امتناع ورزیده‌اند.

طبقه اجتماعی- برای تعیین طبقه اجتماعی افراد (در وجه منزلتی) از افراد پرسش شده است که «در محل زندگی، خانواده شما جزء چه طبقه و قشری شناخته می‌شود؟» در پاسخ به این سوال ۳ گزینه وجود داشته است: بالا، متوسط و پایین. یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان عمدتاً خود را جزء طبقه متوسط (۷۳،۸ درصد) محسوب می‌کنند.

آزمون فرضیه‌ها

رابطه دینداری با همبستگی اجتماعی

فرضیه این تحقیق این بود که بین همبستگی و دینداری رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه ضریب همبستگی پیرسون برای دینداری و ابعاد آن با همبستگی و ابعاد آن محاسبه شد (جدول ۱).

جدول ۱. همبستگی دینداری و ابعاد آن با همبستگی اجتماعی و ابعاد آن

همبستگی اجتماعی	بعد مشارکت	بعد احساس تعلق	بعد ارتباطی	شدت ارتباط	ماهیت ارتباط		
.۱۲۰	-.۰۴۰	.۱۲۹(**)	.۱۰۷(*)	.۳۰۰(**)	.۰۹۸(*)	ضریب همبستگی	بعد مناسبی دینداری
.۰۱۵	.۴۲۴	.۰۰۹	.۰۳۰	.۰۰۰	.۰۴۸	سطح معناداری	
۴۰۸	۴۰۸	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	تعداد پاسخگویان	
.۰۶۴	-.۰۵۴	.۰۶۱	.۰۶۷	.۳۳۹(**)	.۰۱۱	ضریب همبستگی	بعد اعتقادی دینداری
.۱۹۴	.۲۸۰	.۲۱۶	.۱۷۴	.۰۰۰	.۸۱۹	سطح معناداری	
۴۰۸	۴۰۸	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	تعداد پاسخگویان	
.۱۰۳	-.۰۴۵	.۱۱۶(*)	.۰۸۵	.۲۳۵(**)	.۶۵۰	ضریب همبستگی	بعد تجربی دینداری
.۰۳۸	.۰۴۶۵	.۰۱۹	.۰۸۶	.۰۰۰	.۱۸۹	سطح معناداری	
۴۰۸	۴۰۸	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	تعداد پاسخگویان	
.۰۹۳	-.۰۹۵	.۱۰۵(*)	.۰۷۸	.۲۱۰(**)	.۰۴۱	ضریب همبستگی	بعد پیامدی دینداری
.۰۶۱	.۰۵۶	.۰۳۴	.۱۱۶	.۰۰۰	.۴۰۴	سطح معناداری	
۴۰۸	۴۰۸	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	تعداد پاسخگویان	
.۱۱۴	-.۰۷۳	.۱۲۴(*)	.۱۰۱(*)	.۳۲۱(**)	.۰۶۵۰	ضریب همبستگی	دینداری
.۰۲۱	.۱۴۱	.۰۱۲	.۰۴۰	.۰۰۰	.۱۹۱	سطح معناداری	
۴۰۸	۴۰۸	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	۴۰۹	تعداد پاسخگویان	

برطبق جدول و با قبول سطح خطای ۵ درصد و در مواردی کمتر از ۱۰ درصد:

- بین بعد مناسکی دین با ابعاد ارتباطی و اجزای آن، یعنی ماهیت ارتباط و شدت ارتباط، احساس تعلق و خود شاخص همبستگی اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد. این همبستگی‌ها مثبت و ضعیف می‌باشند. بدین معنی که هر چه دانشجویان مناسک دینی را بیشتر انجام می‌دهند ارتباط آنها با دیگران، احساس تعلق و همبستگی اجتماعی آنها بیشتر است. این در حالی است که بین این بعد از دینداری با بعد مشارکت همبستگی اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد. در این تحقیق منظور از مشارکت اجتماعی، عضویت و میزان فعالیت دانشجویان در تشکل‌های دانشجویی در سطح دانشگاه است.
- در مورد رابطه بین بعد اعتقادی دینداری با همبستگی اجتماعی و ابعاد آن باید گفت که بجز شدت ارتباط (یکی از اجزای بعد ارتباطی)، بین این بعد دینداری و همبستگی اجتماعی و ابعاد آن رابطه معناداری وجود ندارد. رابطه بین بعد اعتقادی و شدت ارتباط که معنادار است مثبت و متوسط می‌باشد. به عبارت دیگر هر چه قدر دانشجویان به اعتقادات دینی بیشتر پایبند باشند ارتباط آنها با دیگران شدیدتر است یا صمیمیت آنها بیشتر است.
- بین بعد تجربی دینداری با شدت ارتباط، بعد احساس تعلق و شاخص همبستگی اجتماعی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. رابطه بین این بعد از دینداری با شدت ارتباط نسبت به رابطه آن با احساس تعلق و همبستگی اجتماعی قوی‌تر است. این در حالی است که بین بعد تجربی دینداری با ماهیت ارتباط و بعد مشارکت همبستگی اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.
- بین بعد پیامدی دینداری و همبستگی اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد (در سطح خطای ۰,۰۶). رابطه این بعد با خرده بعد شدت ارتباط، احساس تعلق و مشارکت نیز معنی دار می‌باشد. این تنها بعدی است از ابعاد دینداری که با بعد مشارکت (همبستگی اجتماعی) رابطه معنی داری را نشان می‌دهد.
- در مورد شاخص کل دینداری که مجموع نمره افراد از ۴ شاخص را نشان می‌دهد، می‌توان گفت، میزان دینداری دانشجویان با شاخص کل همبستگی رابطه معنی داری را نشان می‌دهد. اما در تفکیک به ابعاد، این شاخص با خرده بعد شدت ارتباط و به تبع آن

بعد ارتباطی و احساس تعلق رابطه معنی داری دارد (در سطح خطای ۵ درصد). اما با ماهیت ارتباط (بعد ارتباطی) و بعد مشارکت اجتماعی رابطه معناداری نشان نمی‌دهد.

رابطه نوع دینداری با همبستگی اجتماعی

فرضیه دیگر این تحقیق این بود که «بین نوع دینداری و همبستگی اجتماعی رابطه وجود دارد». جداول ۲، ۳ و ۴ رابطه نوع دینداری را با همبستگی اجتماعی و ابعاد آن با استفاده از تحلیل واریانس نشان می‌دهد.

جدول ۲. رابطه همبستگی اجتماعی با نوع دینداری (بر مبنای شاخص تکثرگرایی - انحصارگرایی)

سطح معناداری	f مقدار	درجه آزادی	میانگین	فراوانی		
.۴۵۵	.۷۸۸	۲	۱۱۵/۷	۱۴	انحصارگرا	ماهیت ارتباط
			۲۶۹/۷	۲۷۵	شمول گرا	
			۲۱۱/۷	۱۲۰	تکثرگرا	
.۷۸۶	.۲۴۱	۲	۸۵/۶	۱۴	انحصارگرا	شدت ارتباط
			۸۶/۳	۲۷۵	شمول گرا	
			۸۷/۷	۲۰	تکثرگرا	
.۲۳۸	۱/۴۳۹	۲	۴۵۶/۳	۱۴	انحصارگرا	بعد ارتباطی
			۷۷۵/۲	۲۷۵	شمول گرا	
			۷۱۱/۹	۱۲۰	تکثرگرا	
.۱۴۴	۱/۹۵۰	۲	۴۰۴/۲	۱۴	انحصارگرا	بعد احساس تعلق
			۷۷۷/۳	۲۷۵	شمول گرا	
			۶۵۰/۹	۱۲۰	تکثرگرا	
.۶۷۶	.۳۹۲	۲	۷/۴	۱۴	انحصارگرا	بعد مشارکت اجتماعی
			۸/۶	۲۷۵	شمول گرا	
			۹/۷	۱۱۹	تکثرگرا	
.۱۸۲	۱/۷۱۱	۲	۸۶۸	۱۴	انحصارگرا	شاخص کل همبستگی اجتماعی
			۱۵۶۱/۲	۲۷۵	شمول گرا	
			۱۳۷۲/۷	۱۱۹	تکثرگرا	

جدول ۳. رابطه همبستگی اجتماعی با نوع دینداری (بر مبنای عامل انحصارگرایی)

سطح معناداری	مقدار	درجه آزادی	میانگین	فراوانی		
.۳۴۴	۱/۰۷۰	۲	۳۲۵/۱	۷۱	انحصارگرا	ماهیت ارتباط
			۲۱۳/۶	۲۲۴	شمول گرا	
			۲۶۵/۶	۱۱۷	تکثرگرا	
.۱۴۱	۱/۹۷۱	۲	۸۲/۸	۷۱	انحصارگرا	شدت ارتباط
			۸۷/۹	۲۲۴	شمول گرا	
			۸۶/۷	۱۱۴	تکثرگرا	
.۰۹۶	۲/۳۶۱	۲	۶۳۱/۷	۷۱	انحصارگرا	بعد ارتباطی
			۷۲۳/۵	۲۲۴	شمول گرا	
			۸۶-۳	۱۱۴	تکثرگرا	
.۳۴۶	۱/۰۶۵	۲	۶۰۸/۱	۷۱	انحصارگرا	بعد احساس تعلق
			۷۲۹/۹	۲۲۴	شمول گرا	
			۷۹۷/۰	۱۱۴	تکثرگرا	
.۲۸۸	۱/۲۵۰	۲	۶/۸۵	۷۱	انحصارگرا	بعد مشارکت اجتماعی
			۹/۱	۲۲۴	شمول گرا	
			۹/۷	۱۱۳	تکثرگرا	
.۱۹۸	۱/۶۲۵	۲	۱۲۴۶/۷	۷۱	انحصارگرا	شاخص کل همبستگی اجتماعی
			۱۴۶۲/۶	۲۲۴	شمول گرا	
			۱۶۶۹/۹	۱۱۳	تکثرگرا	

جدول ۴. رابطه همبستگی اجتماعی با نوع دینداری (بر مبنای عامل تکثرگرایی)

سطح معناداری	مقدار	درجه آزادی	میانگین	فراوانی		
.۰۹۶	.۰۹۸	۲	۱۹۸/۱	۲۳	انحصارگرا	ماهیت ارتباط
			۲۴۶/۴	۲۰۹	شمولگرا	
			۲۵۵/۱	۱۷۷	تکثرگرا	
.۰۸۵	۲/۴۷۸	۲	۸۳/۹	۲۳	انحصارگرا	شدت ارتباط
			۸۸/۷	۲۰۹	شمولگرا	
			۸۴/۶	۱۷۷	تکثرگرا	
.۰۳۹	۳/۲۶۳	۲	۶۴۷/۴	۲۳	انحصارگرا	بعد ارتباطی
			۸۳۵/۹	۲۰۹	شمولگرا	
			۶۵۱/۹	۱۷۷	تکثرگرا	
.۰۸۸	۲/۴۴۰	۲	۶۲۰/۱	۲۳	انحصارگرا	بعد احساس تعلق
			۸۱۸/۶	۲۰۹	شمولگرا	
			۶۳۳/۷	۱۷۷	تکثرگرا	
.۰۵۷	.۰۵۶۲	۲	۶/۹	۲۳	انحصارگرا	بعد مشارکت اجتماعی
			۹/۴	۲۰۹	شمولگرا	
			۸/۵	۱۷۶	تکثرگرا	
.۰۵۷	۲/۸۹۰	۲	۱۲۷۴/۶	۲۳	انحصارگرا	شاخص کل همبستگی اجتماعی
			۱۶۶۴/۱	۲۰۹	شمولگرا	
			۱۲۹۳/۹	۱۷۶	تکثرگرا	

نتایج حاصله نشان می‌دهد، نوع دینداری را چه بر مبنای شاخص تکثرگرایی - انحصارگرایی (جمع همه گویه‌های ارائه شده)، چه بر مبنای عامل انحصارگرایی و چه عامل تکثرگرایی محاسبه کنیم، رابطه‌ای بین نوع دینداری و همبستگی اجتماعی و ابعاد آن وجود ندارد. فقط در یک مورد در سطح خطای ۵ درصد تفاوت وجود دارد و آن هم در بعد ارتباطی است زمانی که نوع دینداری را بر مبنای عامل تکثرگرایی سنجیده‌ایم که در این مورد نیز دانشجویانی که دارای دینداری شمولگرا هستند نسبت به دینداران انحصارگرا و تکثرگرا از میانگین بالاتری برخوردار هستند.

اما علی‌رغم عدم معناداری رابطه، آنچه جلب توجه می‌کند این است که در اکثر موارد،

زمانی که انحصارگرایی - کثرت گرایی به هر سه طریق سنجش می شود، نمره دانشجویان انحصارگرا از همبستگی اجتماعی و ابعاد آن کمتر از دو گروه دیگر است. این امر نشان می دهد بر خلاف فرضیه ای که دین را به صورت مطلق، عامل همبستگی محسوب می کند، زمانی که دین ویژگی انحصارگرایانه را تقویت کند، در جامعه ای متکثر، در جهت کاهش همبستگی عمل می کند. در صورتی که نتیجه قسمت های قبلی را مبنی بر رابطه انحصارگرایی با میزان دینداری را بپذیریم، باید گفت، در جامعه ای متکثر و با دینداری های بالا، همبستگی اجتماعی تضعیف می شود.

نتیجه گیری

هدف این تحقیق تأثیر میزان و انواع دینداری بر همبستگی اجتماعی می باشد. دورکیم به عنوان مهمترین نظریه پرداز جامعه شناسی است که از ارتباط و تأثیر دینداری بر همبستگی اجتماعی صحبت به میان آورده است. انتقاداتی که بر نظریه دورکیم در این مورد از سوی نظریه پردازانی چون مرتن وارد شده این است که دین به همان اندازه که می تواند باعث انسجام اجتماعی شود به همان اندازه نیز می تواند از هم گسیختگی اجتماعی در میان کیش های مختلف یک دین به دنبال داشته باشد. بحث دیگری که در نظریه دورکیم جای ندارد، تلقی های مختلف افراد از دین است که در جریان مدرنیته عمدتاً ظهور پیدا کرده است که تغییر به انواع دینداری می شود. انواع مختلف دینداری تأثیر متفاوتی بر همبستگی اجتماعی می گذارند. در این تحقیق از میان انواع مختلف دینداری، دینداری تکثرگرا/ انحصارگرا ملاک قرار گرفت. در بحث از همبستگی اجتماعی با توجه به تحقیقات مختلف انجام شده و نظریه دورکیم سه بعد می توان در نظر گرفت که شامل ارتباطی، مشارکت و احساس تعلق می شوند. شاخص همبستگی اجتماعی از مجموع این ابعاد حاصل شده است.

در صورتی که تکثرگرایی، شمول گرایی و انحصارگرایی را با مجموع گویه ها محاسبه کنیم، در سطح خطای کمتر از ۰،۰۰۱، بین سه گروه تفاوت وجود دارد و در همه ابعاد دینداری و در میزان کل دینداری، افرادی که گرایش انحصارگرایانه دارند، بیش از دو گروه دیگر پایبندی به دین دارند. دو گروه دیگر (شمول گرا و تکثرگرا) در بعضی ابعاد تفاوت چندانی با هم ندارند و در مواردی شمول گراها دارای نمره ای بالاتر از تکثرگراها هستند. اما در

مجموع می‌توان گفت، با افزایش گرایش‌های تکثرگرایانه، میزان دینداری کاهش می‌یابد. هر چند فرض مقابل آن، یعنی تأثیر کاهش دینداری بر گرایش تکثرگرایانه نیز امری محتمل است که می‌توان با تحلیل آماری آن را مورد آزمون قرار داد.

جمع بندی که از رابطه بین ابعاد دینداری و خود دینداری با همبستگی اجتماعی و ابعاد آن می‌توان ارائه کرد این است که به طور کلی دینداری و ابعاد آن شدت ارتباط و احساس تعلق دانشجویان به دیگران را قوت می‌بخشد. همچنین ابعاد مناسکی و تجربی دین و خود دینداری همبستگی اجتماعی دانشجویان را بالا می‌برد. در حالی که با ماهیت ارتباط و مشارکت دانشجویان رابطه‌ای ندارد. جالب آن که این دو بعد همبستگی ابعاد درونی همبستگی‌اند و دارای بار عاطفی قوی هستند. در حالی که خرده بعد ماهیت ارتباط و بعد مشارکت اجتماعی بیشتر جنبه عینی دارند و با الزامات عملی زندگی دانشجویان پیوند بیشتری دارد.

دلیل رابطه معنا دار بودن ماهیت ارتباط با بعد مناسکی را می‌توان به آن جهت دانست که بعد مناسکی امکان ارتباط با دیگران را (از طریق شرکت در نماز جماعت، جلسات قرآن و دعا) افزایش می‌دهد. عدم رابطه دینداری و مشارکت را می‌توان ناشی از تعریف و شاخص‌سازی دانست. زیرا به منظور سنجش مشارکت دانشجویان، عضویت و فعالیت آنان در تشکل‌های خارج و داخل دانشگاه پرسیده شده که از منظر دانشجویان ربط چندانی به دین ندارد.

این مطلب را اهمیت دین در مشارکت دانشجویان در تشکل‌های مختلف تایید می‌کند. زیرا در مورد تشکل‌هایی که جنبه دینی دارند، نسبت دانشجویانی که اهمیت دین را در مشارکت خود زیاد می‌دانند تفاوت زیادی با مواردی دارد که تشکل جنبه دینی ندارد. برای مثال، اهمیت «زیاد» اعتقادات مشترک دینی در مشارکت در «هیات‌های مذهبی»، «انجمن‌های اسلامی»، «پایگاه بسیج» و «دارالقران» بترتیب ۴۳،۵، ۲۳،۱، ۴۳،۶ و ۴۷،۲ درصد است. در حالی که اهمیت «زیاد» اعتقادات مشترک دینی در مشارکت در تشکل‌هایی چون «انجمن‌های ادبی و هنری»، «احزاب و گروه‌های سیاسی» و «شورای صنفی» بترتیب ۴،۱، ۱۰ و ۷،۱ درصد است.

جز بعد اعتقادی، سایر ابعاد و شاخص کل دینداری رابطه معنا داری را در سطح خطای ۵ درصد با ابعاد همبستگی (جز مشارکت) و شاخص کل همبستگی دارد. بعد اعتقادی نیز با بعد «احساس تعلق» و خرده بعد «ماهیت ارتباط» دارد. در صورتی که بعد مشارکت اجتماعی را

کنار بگذاریم، می‌توان گفت، بین میزان دینداری با میزان اهمیت دین در همبستگی اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه قدر میزان دینداری دانشجویان بیشتر باشد به دین در میزان ارتباط و احساس تعلق به دیگران و همچنین همبستگی اجتماعی اهمیت بیشتری می‌دهند.

نوع دینداری را چه بر مبنای شاخص تکثرگرایی - انحصارگرایی (جمع همه گویه‌های ارائه شده)، چه بر مبنای عامل انحصارگرایی و چه عامل تکثرگرایی محاسبه کنیم، رابطه‌ای بین نوع دینداری و همبستگی اجتماعی و ابعاد آن وجود ندارد. فقط در یک مورد در سطح خطای ۵ درصد تفاوت وجود دارد و آن هم در بعد ارتباطی است زمانی که نوع دینداری را بر مبنای عامل تکثرگرایی سنجیده‌ایم که در این مورد نیز دانشجویانی که دارای دینداری شمول‌گرا هستند نسبت به دینداران انحصارگرا و تکثرگرا از میانگین بالاتری برخوردار هستند.

براین اساس می‌توان گفت، ادعای تأثیر متفاوت نوع دینداری در همبستگی از این طریق نیز تایید نشد و می‌توان گفت بر خلاف میزان دینداری، نوع دینداری (انحصارگرا - کثرت‌گرا) تأثیری بر میزان همبستگی افراد با یکدیگر ندارد.

تصور اولیه ما این بود که فکر می‌کردیم دینداران تکثرگرا از آنجایی که در ارتباط خود با دیگران اهمیت کمتری به اشتراک عقاید دینی خود با دیگران می‌دهند دامنه ارتباطی و همبستگی اجتماعی آنها بیشتر از دینداران انحصارگراست؛ چرا که این دینداران ارتباطات خود را محدود به دایره اعتقادات مشترک دینی خود با دیگران می‌کنند، در نتیجه دایره ارتباطی دینداران انحصارگرا نسبت به دینداران تکثرگرا محدود تر و در نتیجه همبستگی اجتماعی آنها ضعیف‌تر است. اما یافته‌های تحقیق خلاف این ادعا را ثابت کرد به طوری که ارتباط معناداری با نوع دینداری با همبستگی اجتماعی وجود نداشت. شاید بتوان این عدم ارتباط را اینگونه تفسیر کرد که هر یک از دینداران انحصارگرا و تکثرگرا همبستگی آنها با هم مسلکان خود در دینداری قوی است و با خارج از دایره همسلکان خود چندان ارتباطی ندارند. بدین معنی که هر یک از افراد بر حسب تلقی که از دینداری دارند شبکه ارتباطی خود را با افرادی که دارای تلقی مشابهی از دینداری با آنها هستند، محدود می‌کنند.

احتمال دیگری را که برای این عدم ارتباط می‌توان در نظر گرفت مربوط به

نحوه شاخص‌سازی ما در ابعاد همبستگی اجتماعی و مولفه‌های در نظر گرفته برای آنها باشد. شاید اگر با دقت بیشتری هر یک از ابعاد سنجیده می‌شد ما شاهد ارتباط نوع دینداری با همبستگی اجتماعی بودیم.

آخرین احتمالی که می‌توان مطرح کرد قدرت الگوی نظری دورکیم و ضعف انتقادهای وارده به دورکیم می‌باشد. بر اساس الگوی نظری دورکیم میزان دینداری افراد ارتباط مستقیمی با همبستگی اجتماعی آنها دارد. همچنین او در بین ابعاد دینداری تاکید بیشتری بر بعد مناسکی دینداری دارد. نتایج این تحقیق متناظر با ادعای دورکیم است. از طرف دیگر منتقدان دورکیم که خلاف نظر او را داشتند ادعای آنان تایید نشد. البته رد ادعای آنان در این تحقیق شاید به سطح تحلیل ما در این مطالعه مربوط باشد. در این تحقیق ما همبستگی اجتماعی را در سطح خرد در نظر گرفتیم و مشروط به تلقی افراد از دینداری و همچنین در سطح میانه (گروه بندی‌های انواع دینداری) نکردیم. اگر واحد تحلیل را در سطح انواع دینداری (سطح میانه) مورد بررسی قرار می‌دادیم، وجود رابطه بین نوع دینداری با همبستگی اجتماعی شاید به طور دقیق تری مورد سنجش قرار می‌گرفت و معنادار در می‌آمد.

پیشنهادات تحقیق - با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود محققانی که علاقمند به

تحقیق در این حیطه می‌باشند در جهت موضوعات زیر تلاش نمایند:

۱. بررسی رابطه شکل‌های دیگری از انواع دینداری با همبستگی اجتماعی
۲. هر یک از ابعاد همبستگی اجتماعی به طور جداگانه در یک تحقیق با دقت بیشتر سنجیده و با انواع دینداری بررسی شوند.
۳. با توجه به رابطه بین میزان دینداری با همبستگی اجتماعی که رابطه‌ای نسبتاً ضعیف بود و همچنین با توجه به نظریه دورکیم که کشورها در جریان توسعه نقش دین در انسجام اجتماعی در آنها کمرنگ‌تر می‌شود، پیشنهاد می‌شود تحقیقات طولی در این زمینه انجام شود تا بر اساس آنها به ارزیابی نظر دورکیم در این ارتباط پرداخت.
۴. علاوه بر دینداری و انواع دیگری از نوع دینداری، متغیرهای دیگری که با همبستگی اجتماعی در ارتباط هستند مورد ارزیابی قرار گیرند تا از این طریق بتوان به سهم تأثیر دین در همبستگی اجتماعی با تعامل متغیرهای دیگر پی برد.

منابع

- امیر کافی، مهدی (۱۳۸۳) طرح الگوی جامعه شناسی انزوای اجتماعی شهر تهران، پایان نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- باربور، ایان (۱۳۷۴) *علم و دین*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: انتشارات سمت.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲) *عقل در سیاست*، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶) *فرهنگ علوم اجتماعی*، باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳) *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) *در باره تقسیم کار اجتماعی*، باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- رجب زاده، احمد (۱۳۷۹) دانشگاه، دین و سیاست، سنجش گرایشهای فکری و فرهنگی دانشجویان، تهران، گزارش تحقیقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ریشه، گی (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز*، عبدالحسین نیک گهر، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی بتیان.
- سراج زاده، سید حسین (۱۳۷۷) «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی»، *نامه پژوهش*، سال دوم، شماره ۷ و ۸.
- صابر، سیروس (۱۳۸۴) تأثیر انواع و میزان دینداری بر مدارای اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم.
- فروند، ژولین (۱۳۶۸) *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات رایزن.
- کوثری، مسعود (۱۳۷۵) تأثیر همبستگی اجتماعی بر مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۶۳) *دورکیم*، یوسف اباذری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰) «بیگانگی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر بتیان.
- هیک، جان (۱۳۷۸) *مباحث پلورالیسم دینی*، عبدالکریم گواهی، تهران: نشر بتیان.

- Cohen, S., Underwood, L., & Gottlieb, B (Eds.) (2000). Social support measurement and interventions: A guide for health and social scientists. New York: Oxford.
- Glock, Charles (1959) The Religious Revival In America, University of California
- Greely, Andrew (1996) Religious Change in America, HARVARD Press
- Kerestes and others, 2004, longitudinal patterns of religious perspective and civic integration, Catholic University of America
- Harold, Hartley, 2004, The impact of students religious faith and practice on retention at church-related institutions of higher education, Peabody College for Teachers of Vanderbilt University Press.
- Lockwood, D. (1964) "Social Integration and System Integration." Pp. 244-57 in Explorations in Social Change, Eds. G. K. Zollschan and H. W. Hirsch. Boston: Houghton Mifflin.
- International Encyclopedia of the Social Science (1964) David L. Sills Editor
- Norma, Greenidge, 2000, The church as a social support for women: Perspective of female members of selected Seventh-day Adventist churches, Andrews University
- Morgan, Glenn (2001) Transnational Communities and Business Systems, Warwick Business School, University of Warwick